

12 دسمبر 2008

سلام بر شما سایت پرمحتوای (بابا)!

اینک پیوست همین ایمل، مطلبی را برایتان می فرستم و دست تانرا با محبت می فشارم.

م. آصف مهربان

13 دسمبر 2008

دوست گرانمایه آصف مهربان؛

با عرض ارادت و سلام های رفیقانه! مطلب ارسالی بسیار آموزنده و ارزشمند شما را دریافت، و از مطالعه آن نه تنها فیض، که خیلی هم لذت بردیم.

این مقال و آنهم با تواضع قابل ستایش نویسنده آن، که امروزه اما بعنوان یک کنش و اخلاق پسندیده اجتماعی، متأسفانه بسان گهری کمیاب میماند، رویهمرفته به موضوعی تماس میگیرد که از هر حیث، برای ما قابل تأمل است: چه از زاویه دید تاریخی با چشمداشت رویداد های خانمان برانداز سه دهه گذشته و کاوش در علل و اسباب شان؛ و چه هم با نگرش بجلو که درس آموزی از همه ماجرا های خونین زندگانی نسلی از باشندگان این دیار را بمثابة یک پیش شرط انصراف ناپذیر، در محراق توجه خودش داشته باشد. گذر از تنگنا های تیره و تار کنونی و آنهم از میان آتش متقاطع دشمنان آشکار و پنهان مردم ستمدیده کشور، و حرکت به آن سمتی که دسترسی و نیل به اساسی ترین خواسته های فوری و تاریخی جامعه بلاکشیده ما را پیشاپیش در چشم انداز خودش داشته باشد، یک چنین رویکردی را بر همه رهروان و پیوندگان راستین همین راه، حتمی و ضروری میسازد.

از اینجاست که تشخیص عاملین و مسببین همه بدبختی های همین سه دهه از حیات جامعه، و شناسایی شان بعنوان دشمنان آشتی ناپذیر توده های مردم ستمدیده و زحمتکش کشور، اساسی ترین معیاری میگردد که پابندی بدان و یا تخطی از آن، همچنان مرز تمایز میان دوستان واقعی مردم، و مدعیان کاذب شان را ترسیم میدارد. بر این مبناست که می توان و باید در اینجا بصراحت اعلام داشت و آن اینکه:

همکاری و مماشات با دشمنان چه داخلی و چه خارجی مردم، توسط هر که باشد، بی هیچ ملاحظه ای، در حکم دشمنی با مردم، و خیانت به انقلاب و به منافع علیای ملی میباشد.

یکی از خون آشام ترین دشمنان شناخته شده مردم ستمدیده افغانستان، همانا باند های آدمکش و میهن فروش خلقی و پرچمی هستند، که جنایات بی شمار و تباهی آفرین شان، دیگر بر دفتر ماندگار تاریخ ثبت گردیده است. سه دهه تراژیدی خونبار کشور، که هفت ثور و

شش جدی، فقط بارز ترین منعطف های تاریخی، و یادواره سمبولیک کارنامه های ننگین همین آدمکشان حرفه ای میباشند، با تکیه ناخجسته این نوکران خانه زاد سوسیال امپریالیسم شوروی بر اریکه قدرت دولتی آغاز، و بر بستر تباری نامقدس شان با مزدوران گوش بفرمان رقبا امپریالیسم غرب و ارتجاع منطقه، یعنی با همان همپالگان جهادی و طالبی ایشان، تا ایندم ادامه دارد. اشغال کنونی کشور و اسارت مردم جان بر لب رسیده ما در دام فاتحین "جنگ سرد" که به بهانه های واهی و شعار های عوامفریب آزادی، دموکراسی، صلح، عدالت و بازسازی گویا توجیه میگردد، از جهتی هم در واقع، تکامل منطقی جبهه سایه های دیرینه همه همین خائنین بملت بر آستان اربابان موتلفه شان میباشد، که اینک به یمن همان خدمت گذاری ها، در دولت دست نشانده کابل مشترکا سازمان یافته اند. پس آماج قرار دادن همه همین مرتجعین بدسگال بمتابه دشمنان سوگند خورده مردم ستمدیده کشور بدون هیچ استثنایی، در موقعیت کنونی شرط انصراف ناپذیر پیشبرد مبارزه آزادیخواهانه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی میباشد.

مغازله و تنیدن رشته های مودت و مسامحه با هر فرد؛ با هر عنصر؛ و با هر بخشی از همین دشمنان شناخته شده مردم؛ در هر سطح و به هر پیمانیه ای که باشد، نه فقط ادعای ضدیت با امپریالیسم و ارتجاع را تخطئه می نماید؛ نه تنها مرز روشن میان دوست و دشمن بمتابه اصل اساسی مبارزه انقلابی را مخدوش میسازد؛ بلکه افزون بر آن، عاملین رسوای آن را هم، در کنار سایر مرتجعین قرار داده و بنابراین، با چنین مرزبندی ای، بر ایشان نیز قضاوت خواهد شد، زیرا مبارزه ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع، نمیتواند هیچگاه و تحت هیچ شرایطی، جدا از مبارزه علیه اپورتونیسیم باشد.

با چنین نگرش و رویکردی میباشد که (بابا) نتیجتا، از نقطه نظرات اعلام یافته دوست گرامی آقای آصف مهربان در نوشته (سخنی پیرامون وضع سیستانی و ...) بگرمی استقبال نموده و آنرا بمتابه یک مبارزه روشنگرانه انقلابی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی، به نشر می سپارد. توقع میرود که دوست گرامی آقای (مهربان) در مراوده و همکاری رفیقانه با (بابا) ی خودش، مصمم و پیگیر باشد!

با درود های گرم انقلابی!

(بابا)
